

دریچه

چالش‌های فرا روی انقلاب‌های عربی

پاتریک سیل

■ یکی از ویژگی‌های برجسته انقلاب‌های عربی طی ۱۸ ماه گذشته که از نحوه دقت در رفتار آنها بر می‌آید این است که جریان‌های اسلام‌گرا دارای یک جناح تندرو هستند.حال پرسشی که در این ج‌امطرخ می‌شود این‌که آیا جریان‌های اسلام‌گرای میانه‌رو و موجود در قدرت خواهند توانست جناح‌های تندرو خود را مهار کنند؟ این همان چالشی است که در مصر «محمد مرسی» و در تونس «إشاد الغنوشی» رهبر تاریخی حزب «النهضة» با آن مواجه‌اند. این دو جریان اسلام‌گرا توانستند در انتخاباتی دموکراتیک به پیروزی برسند و بر آریکه قدرت بنشینند. کمالینکه اسلام‌گرایان در سایر جاها از جمله مراکش هم پیروزی‌های دیگری به دست آوردند. در مراکش آنها توانستند سهمی را از پادشاه پس بگیرند کمالینکه در یمن و اردن نیز در آینده خواهند توانست موفقیت‌هایی را کسب کنند. پس از سقوط «قذافی» در لیبی اما اسلام‌گرایان برخلاف تصور از ائتلاف ملی مرکب از ۵۸ حزب به رهبری «محمود جبریل» رئیس سابق شورای انتقالی شکست خوردند.ب‌این‌وجود آنها امیدوارند که در انتخابات آینده به موفقیت تازایی دست یابند. به هر حال نوبت به اسلام‌گرایان رسیده است و این برای غرب تعجیبی ندارد. در این میان باید گفت این اقلیت‌ها هستند که نگرانند یا طبقات متوسط جامعه که نگران نحوه زندگی عربی خود هستند. زنان زن از این وحشت دارند که آنها را به زور مجبور به انزوا کنند. اسرائیل از این نگران است که پیمان کمپ‌دیوید چه سرنوشتی پیدا کند. اما باید گفت در مورد همه این نگرانی‌ها گاه افراق می‌شود. هم محمد مرسی و هم راشد‌الغنوشی از هویشاری خوبی برخوردارند. کمالینکه این دو به‌مترسیم چشم دوخته‌اند. می‌دانند که نخستین اولویت ایجاد فرصت‌های لازم برای جبران بیکاری جوانان و تأمین امنیت برای شهروندان و بازسازی قدرت دولت و احیای توان اقتصادی کشوری است که طی یک سال گذشته به شدت آسیب دیده است. اسلام‌گرایان مصر و تونس برای اجرای برنامه‌هایشان نیازمند تشکیل یک ائتلاف قوی با هم‌پیمانان داخلی خود هستند و اینکه تا حد‌امکان گروه‌های تندرو را از خود دور کنند. به منظور کاهش نگرانی‌های زنان و قبیله‌ها که ۱۰ درصد جمعیت مصر را تشکیل می‌دهند، محمد مرسی پیشنهاد داد یک خادم مسیحی به عنوان معاون ریاست‌جمهوری برگزیده شود. کمالینکه حزب‌النهضة در تونس که کملاً درک می‌کند با چه حجم از چالش‌هایی مواجه است سعی کرد با دو حزب سسکولار ائتلاف تشکیل دهد. یکی حزب «کنگروه برای جمهوریت» به رهبری «منصف‌المرزوقی» و دیگری حزب «فرآکسیون» به ریاست «مصطفی بن جعفر. المرزوقی هم اکنون رئیس‌جمهور تونس است و بن جعفر هم ریاست جمعیت تدوین قانون اساسی را برعهده گرفته است. نکته مهم اینکه اوج گیری و بازگشت جریان‌های اسلام‌گرا در کشورهای عربی زایدید یک واکنش مردمی علیه حکام فاسد و دیکتاتور و نیروهای امنیتی خشن بوده است. کمالینکه واکنشی به سلطه غرب و به رهبرانی است که منافع استراتژیک غرب را بر آرمان‌های ملت‌شان ترجیح می‌دهند. بدون تردید مرسی و غنوشی می‌دانند رهبرانی که بتوانند استقلال کشورشان را در برابر نیروهای خارجی تأمین کنند خواهند توانست بر جریان‌های تندرو داخلی نیز فایق آیند. اوج‌گیری جریان‌های اسلامی در عرب حال بازتاب‌دهنده خشم ملت‌های منطقه در قبال سرکوب فلسطینی‌ها و دو جنگی است که غرب در عراق و افغانستان برپا کرد. همچنین نبردهایی را که آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم در پاکستان، یمن، سومالی یا هر جای دیگری صورت می‌دهد در نظر این گروه‌ها همه در راستای نبرد بر ضد اسلام‌است. از همه اینها بالاتر، پیروزی اسلام‌گرایان واکنشی است به چنددهه سرکوب شدیدی که آنها در کشور‌هایشان متحمل شدند. از سال ۱۹۴۸ در مصر اخوان‌المسلمین منحل و برخی از اعضای آن به اتهام‌های گوناگون سرکوب شده‌اند و این مساله تا همین اواخر استمرار داشت. در تونس نیز «حبیب بورقیبه» و جانشین او «زین‌العابدین بن علی» حزب «النهضة» را به مدت یک ربع قرن ممنوع کرد. راشد‌الغنوشی بارها به زندان محکوم شد و نزدیک به ۲۰ سال را در تبعید در بریتانیا گذراند. در الجزایر، ارتش در چارچوب یک جنگ داخلی به مدت ۱۰ سال با اسلام‌گرایان جنگید و طی آن بیش از ۱۵۰ هزار نفر کشته شدند. اکنون برخی از اسلام‌گرایان الجزایر و جنگجویان همان دوره مسوول شورش‌های شمال مالی معرفی می‌شوند و این مساله برای الجزایر نگران‌کننده است. در لیبی نیز سرهنگ قذافی هرزمان فرصتی دست می‌داد با گروه‌های اسلام‌گرا می‌جنگید. در یمن نیز «علی عبدالله صالح» که از سالل ۱۹۷۸ تا پایان سالل گذشته براین کشور حکومت می‌کرد ابتدا از اسلام‌گرایان برای شکست دادن مارکسیست‌هاومقابله باجریان تجزیه‌طلبی جنوب استفاده کرد. اما وقتی خودش را تاگزیر از آن یافت که به پروسه «جنگ آمریکا علیه تروریسم» بپیوندد، ناگهان علیه آنها دست به کار شد. سرانجام وقتی صالح مجبور به ترک قدرت شد همین اسلام‌گرایان بودند که درصدد بازپس گرفتن حقوق تاریخی از دست رفته‌شان برآمدند. با توجه به این زمینه‌ها تاریخی سختگیرانه است که باید گفت هیچ تعجیبی ندارد اسلام‌گرایان خواستار انتقام‌کشی باشند. با این حال باید گفت رهبران‌شان باید شجاعت و بلندنظری کافی داشته باشند تا بتوانند از سوی اسلام‌گرایان میانه‌رو مورد استقبال قرار گیرند. گروهی که به تکثرگرایی و تسامع معتقدند و نواگرایی را می‌پذیرند و به عدالت اجتماعی اعتقاد دارند و بر استقلال و حاکمیت ملی تأکید می‌ورزند. آنها در مجموع موفق نمی‌شوند مگر آنکه به این حقیقت ساده اعتراف داشته باشند که کشورشان در دنیایی به سر می‌برد که همه به هم نیازمند و وابسته‌اند.

منبع: الحیات

گفت‌وگو با «حمدین صباحی» نامزد شگفتی‌آفرین دور نخست انتخابات ریاست جمهوری مصر

رای به «مرسی»، «نه» به گذشته بود

ترجمه: محمدعلی عسگری



■ **شما از احتمال تقلب در انتخابات صحبت می‌کنید و اینکه میزان مشارکت در دور دوم بیشتر از اول بود. منظور تان چیست؟**

به اعتقاد من تقلبی نرم علیه من صورت گرفته است. در این‌باره مشاهدات و ملاحظاتی هست که نمی‌توان آنها را انکار کرد. به هر حال تعداد رای‌دهندگان در دور دوم نمی‌شود که بیشتر از دور اول باشد. چون در دور نخست کملاً روشن است که مردم بیشتر شرکت می‌کنند تا دور دوم. امتداد صف‌ها و ازدحامی که وجود داشت هم این مساله را اثبات می‌کند. این منطقی نیست در فضایی که ۱۲ نفر با هم رقابت می‌کنند مجموع آرایش کمتر از دور دوم باشد که در آن دو نفر رقابت می‌کنند. همین مساله است که نشان می‌دهد در دور دوم تقلبی صورت گرفته است.

■ **شما چه ائتلافی را ر‌هبریی می‌کردید و حال با آن پنج‌میلیون نفری که به شما رای دادند و امانت بزرگی را بر دوش شما گذاشتند چه می‌کنید. آیا این موفقیت برای شما قابل انتظار بود؟**

من تسوکل بر خدا داشتم و آرایی که به دست آمد قابل پیش‌بینی بود. حتی من معتقدم در دور نخست هم تقلب شد و به عمد آرای من کمتر اعلام شد تا مرا از دور رقابت‌ها خارج کنند. من الان در خیالان‌ها که قدم می‌زنم استقبال مردم را می‌بینم و براساس نظرسنجی‌هایی که منتشر می‌شد، می‌توانم بگویم آرامی بیشتر از آن چیزی بود که اعلام شد. برای همین بود که شکایت کردم. به هر حال تبلیغات من در مقایسه با دیگران خیلی کم بود. منابع مالی ما نشان می‌دهد که ما فقیرترین بودیم. غیر از خود هیچ سازمان سیاسی یا حزبی پشتمان نبود. ائتلافی هم وجود نداشت. هر چه بود کمک‌های خودجوش مردمی بود. شاید براساس این مسایل باشد که ناظران می‌گویند آنچه به دست آمد خیلی زیاد بود. من باید بگویم که مردم به من محبت زیادی داشته‌اند و از آنهایی که به مرسی رای دادند اقلای به اخوان من احتیاج دارم که همراه مردم باشم. برای همین قبول نکردم که در قدرت شریک شوم. در عین حال من و همراهانم به این فکر می‌کنیم که باید یک سازمان سیاسی مردمی و قوی داشته باشیم که بتواند در مقابل تشکیلاتی که هم‌اکنون سعی می‌کند همه قدرت را در کشور قبضه کند، بایستد. به اعتقاد من مصر نیازمند یک ساختار مردمی قوی است تا بتواند انقلابش را تکمیل کند و عدالت و دموکراسی و استقلال ملی را تحقق بخشد. در این راه من به‌خصوصی بر جوانان و تشکل‌های آنها تکیه دارم. مثل «الکرامه»، «ئتلاف مردمی سوسیالیستی» و گروه در حال تأسیس «قانون اساسی»، «مصر دموکراتیک»، «مصر اجتماعی» و «مصر آزاد» و در مجموع معتقدم که این احزاب می‌توانند هسته‌های اولیه آن جبهه‌ای را که گفتیم تشکیل دهند و نبردی دموکراتیک را در مقابل حزب آزادی و عدالت از یک سو و حاکمیت بقایای نظام قدیم از سوی دیگر رهبری کنند.

■ **برخی می‌گویند آرایی که شما به دست آوردید به دلیل فرد شما بوده است. دیگران می‌گویند به دلیل این بود که شما روای ناصر را در سر**

می‌بروراندید و بعضی هم می‌گویند به دلیل زد و بندهایی بود که اتفاق افتاد. کدام یک درست است؟

حقیقت را فقط خدا می‌داند. اما به اعتقاد من محبت از خدا می‌جوشد. آن چیزی که برای من در این انتخابات اتفاق افتاد مرا به یاد انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۵ می‌اندازد که ما در آن شرکت کردیم و آنجا بود که من به این پشته‌واله مردمی پی بردم. از آن گذشته من در هر انتخاباتی که شرکت کردم چنین وضعی بوده است. حال نیز امیدوارم خدا توفیقی بدهد و در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده برنده شوم. گمان می‌کنم حرف‌های من درباره دفاع از فقر و انقلاب و رویاهای ناصر موجب این اقبال گسترده مردم شده باشد. زیرا مردم کسی که اگر نبود من قادر آرزوهایشان بگویند. اساسا من در طول عمرم به دلیل وابستگی به افکار ناصر و اینکه یکی از رهبران حزب «الکرامه» بودم همیشه از عدالت اجتماعی دفاع کرده‌ام. به همین دلیل اعتقاد دارم که مصر در طول تاریخش حاکمی مثل محمد علی نداشته است. یا مثل جمال عبدالناصر که بتواند عدالت اجتماعی را برقرار کند. حتی بعضی مرا سایه ناصر می‌دانند کسی که اگر نبود من قادر به رفتن به دانشگاه نبودم. او کسی بود که آموزش را در مصر مجانی کرد. اگر این برنامه نبود حتی محمد مرسی رئیس‌جمهور فعلی هم نمی‌توانست به دانشگاه برود. من در این انتخابات با هیچ کس معاملاتی نکردم. تنها ویژگی من این بود که حرف‌هایم با خواسته‌های مردم در انقلاب اخیر هماهنگی داشت. چون من خودم یکی از کسانی بودم که به این انقلاب باور داشتم. من توانستم گفتگمانی را برگزینم که مناسب حال مردم مصر بود.

به اعتقاد من سه دایره‌ای را که او ترسیم کرد از اصول سیاست خارجی ماست و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. مصر یک دولت مسیحیان مصر احترام می‌گذارم و به حقوق شهروندی اعتقاد دارم. ■ **با توجه به حوادث پیش‌آمده دیدگاه شما نسبت به آینده مصر چگونه است. آیا مصر می‌رود که تجربه ترکیه را تکرار کند و ویژگی‌های خاص خودش را دارد؟**

به اعتقاد من مصر تجربه ممتاز و مخصوص به خودش را دارد. کمالینکه اعتقاد دارم مصر هرچند نتوانست بهترین گزینه را برای ریاست‌جمهوری انتخاب کند اما ملت در دور دوم نشان داد که هرگز حاضر به بازگشت به گذشته نیست. پیروزی بر بقایای نظام مبارک پیروزی بزرگی بود. حتی انتخاب مرسی که به هر حال یکی از شرکای انقلاب بود همین مساله را نشان داد.

آگاهی مردم بود که انقلاب را پیروز کرد و همین راه را تا آخر می‌رود. در آینده ما شاهد پیروزی‌های بیشتری خواهیم بود. مصر نه دولتی دینی و نه نظامی خواهد بود. هرچند در حال حاضر نظامیان از یک سو و حزب آزادی و عدالت از سوی دیگر نفوذ خودشان را به رخ می‌کشند. باور من این است که جامعه مصر بسیار بزرگتر از جماعت «اخوان‌المسلمین» با آن شورای نظامی است. همین مساله است که ما را به آینده امیدوار می‌کند. باید این ملت سازماندهی شوند تا بتوانند در انتخابات پارلمان یا شوراهای محلی یا ریاست‌جمهوری به خواسته‌هایشان برسند. تنها در ظرف چند سال مصر خواهد توانست الگویی دموکراتیک آراه دهد که در آن سلطه هیچ گروهی بر گروه دیگر بودیم. غیر از

■ **آقای مرسی در سخنرانی خودش خیلی به نقش اخوان‌المسلمین بها داد و با اشاره به دهه ۶۰ گفت «ما ادراک الستینات». آیا منظور شما این بوده که از این پس باید شاهد برخورد‌های تازه‌ای بین این گروه و ناصری‌ها باشیم؟**

رئیس‌جمهور تمایلات ایدئولوژیک خودش را برمالا کرد. من می‌دانم خیلی از آنهایی که به مرسی رای دادند اقلای به اخوان نداشتند. آنها فقط به دلیل نفرت از نظام مبارک بود که به او رای دادند. آنها می‌خواستند نگذارند که رژیم سابق برگردد. از آن گذشته رئیس‌جمهور منتخب باید ثابت کند که متعلق به همه مصری‌هاست. وقتی از حزب و گروهش زیاد حرف می‌زند در واقع دچار اشتباه شده است. من هم در مورد دهه ۶۰ یادگاری دارم که درست برعکس اوست. آن دهه در کشور مصر به نظر من فوق‌العاده بود زیرا میزان توسعه اقتصادی در این کشور به بالاترین حد رسید. مدارس و دانشگاه‌ها تأسیس شد و فرزندان فقرا توانستند آموزش ببینند. وقتی عبدالناصر اصلاحات ارضی کرد به خیلی از کشاورزان زمین رسید. یکی از اینها همین خانواده آقای مرسی بود. بنابراین نباید به دهه ۸۰ از زاویه اختلاف اخوان‌المسلمین و ناصری‌ها نگریم. مسا ولرد این گونه دعواها نخواهیم شد. ما اخوان را شریک راه انقلاب می‌دانیم و آنها بخشی از جامعه اسلامی ما هستند. از سوی دیگر آنها اهل استفاده از آن در قلمرو سیاست هستند.

به همین دلیل با آنها اختلافات زیادی هم داریم. مرحله آینده شاهد رقابت سیاسی بین حزب «آزادی و عدالت» و ما خواهیم بود زیرا بدون حضور یک اپوزیسیون قوی آینده مصر لطمه خواهد دید. مصر از سیطره نظام مبارک با آن گرایش‌های راست‌گرایانه و سرمایه‌داری‌اش» خارج شد. اخوان‌المسلمین هم در مواردی همین گرایش‌های سرمایه‌داری را دارد. ولی ما به نفع فقرا کر می‌کنیم و اگر رئیس‌جمهور جدید از فقرا دفاع کند ما هم با او خواهیم بود و از او پشتیبانی خواهیم کرد. در غیر این صورت اگر از مسیر دموکراتیک و منافع فقرا خارج شوند مخالف ما هم شدیدتر خواهیم بود.

■ **درباره عذرخواهی گذشته خود چه می‌گویید. شما یک‌بار به دلیل آنچه در دوران مبارک برای اخوان‌المسلمین گذشت عذرخواهی کردید اما رئیس‌جمهور منتخب به این مساله اهمیتی نداد. آیا الان پشیمان نیستید؟**

نه، من پشیمان نیستم بلکه بر مبنای آن می‌توانم بگویم که ناصریست‌ها قارند گذشته خود را نقد کنند. از آن گذشته عبدالناصر برای ما یک نماد انسانی و الهام‌بخش است نه یک پیغمبر و هر تجربه انسانی قابلیت اشتباه هم دارد. من تجربه ناصر را با همه محتوایش که صافانه دغدغه فقرا را داشت و از روحی خالص و ملی برخوردار بود درک می‌کنم. با این حال ما تأکید می‌کنیم که حاضر به تکرار خطاهای گذشته نیستیم. عذرخواهی من نشان د‌ار به‌رغم اقله‌ای که داریم می‌توانیم او را نقد کنیم. ■ **در برنامه انتخاباتی خودتان گفتید سیاست خارجی مورد نظر شما در همان سه دایره‌ای خواهد بود که مرحوم ناصر تعیین کرد. آیا در این‌باره تغییراتی هم به‌وجود آمده به‌خصوص در رابطه با تحولات و تغییراتی که در جهان و این جمله مصر به وجود آمده مانند توافقنامه کمپ دیوید و غیره؟**

جهان

نیم‌نگاه

نگاهی به زندگی نخست‌وزیر تازه مصر

تکنوکرات مسلمان

■ محمد مرسی، رئیس‌جمهوری جدید مصر در اقدامی غیرمنتظره یک چهره غیرسیاسی را به نخست‌وزیری برگزیده است. «هشام قندیل» را در ابتدا و پیش از هر چیز باید به عنوان وزیر منابع آبی مصر معرفی کرد که در دولت پس از انقلاب ۲۵ ژانویه مصر و به طور مشخص از ۱۲ جولای ۲۰۱۱ تا روز گذشته مشغول به کار بود. هشام قندیل در اولین دولتی که پس از انقلاب مصر از سوی شورای نظامی حاکم و به ریاست عصام شرف تشکیل شد، وزارت آب را بر عهده گرفت و در دولت بعدی به ریاست کمال جنزوری که تاکنون اداره امور مصر قندیل پیش از انتخاب به سمت نخست‌وزیری مصر و پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۹۸۴ در رشته آبیاری و زهکشی نیز در این وزارتخانه مشغول به فعالیت بود. قندیل مدرک کارشناسی خود در رشته مهندسی را در سال ۱۹۸۴ از مصر گرفت و مدرک کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۹۸۸ در رشته آبیاری و زهکشی از دانشگاه پوتا ایالت کارولینای جنوبی آمریکا و همچنین مدرک دکترای خود در همین رشته را در سالل ۱۹۹۳ از دانشگاه مریکس این ایالت دریافت کرد. پس از آن قندیل به مرکز تحقیقات ملی آب مصر ملحق شد تا در سال ۲۰۰۲ به درجه استادی در این مرکز تحقیقاتی دست یابد و در سال ۱۹۹۵ نیز موفق شد، مدال درجه دو ملی را به دست آورد. طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ به عنوان مدیر دفتر منابع آبی و زهکشی در دایره آب نیل مشغول به کار بود و در نشست‌های کشورهای حوزه رود نیل به عنوان نماینده مصر مشارکت این منابع در کشورهای مختلف آفریقا حضور داشت. قندیل پست‌های متعددی را نیز در طول این مدت احراز کرد که از جمله آنها عضویت در بانک توسعه آفریقا بود و طرح‌های آبی بسیاری را در بسیاری از کشورهای آفریقایی مانند اتیوپی، سودان، تانزانیا، زامبیا، موزامبیک و مالاوی به اجرا گذاشته است. قندیل را باید از جمله تکنوکرات‌های مصر خواند که گفته شده نه قبل از انقلاب و نه بعد از آن به هیچ جریان سیاسی منتسب نبوده و در آن عضویت نداشته است. قندیل اولین نخست‌وزیر مصر است که کمتر از ۶۰سال سن دارد و همچنین اولین نخست‌وزیر مصر است که ریش دارد.

■ **رابطه شورای نظامی و جماعت اخوان‌المسلمین**

راز از یک طرف و سایر نیروها و احزاب را از طرف دیگر چگونه می‌بینید؟ شورای نظامی مسوولیت کامل دوره انتقالی را برعهده دارد. نتیجه سیاست‌های این ششورا در انتخابات است که موجب می‌شود شبیه تقلب پیش آید. به باور من رابطه بین شورای نظامی و اخوان‌المسلمین بسیار مشکوک است. به‌خصوص در رابطه با توافقات و معاملاتی که به صورت پنهان صورت گرفته است. به نظر من روزهای آینده این شبیهات برطرف خواهد شد. صرف نظر از اینها من معتقدم مصر نیازمند یک قانون اساسی جدید است که نشان دهد به ارتش به عنوان یک نهاد ملی احترام می‌گذارد. به گمان من نیروهای مدنی مصر برای ایجاد دولتی دموکراتیک و مدرن با دو چالش مهم روبه‌رو هستند. اول چالش ناشی از احزاب تازایی که براساس دین شکل می‌گیرند و از دین برای مقاصد سیاسی استفاده می‌کنند. اینها از یک طرف می‌خواهند براساس فهم غلط خود از دین بین شهروندان تبعیض قابل شوند و از طرف دیگر اختیارات نامحدود به نظامیان بدهند و این عکس آن چیزی است که مردم ما به خاطرش انقلاب کردند. مردم باید مراقب ائتلاف نظامیان و بنیادگرایان باشند.

■ **بعضی شایعات پیرامون شما وجود دارد. ازجمله دیدار با «احمد شفیق» و تلاش برای کسب مقام معاونی ریاست‌جمهوری و دریافت مبالغی پول از خارج. کدام یک از اینهاحقیقت دارد؟**

بعد از انقلاب تاکنون من با احمد شفیق هیچ دیداری نداشته‌ام به استثنای یک لحظه که به دلیل درگذشت همسرش در مراسمی شرکت کردم و به او تسلیت گفتم. بنابراین شایعات هرچه باشد دروغ است و هیچ سندیتی ندارد. کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند بهتر است به اخلاقی حرف‌های یا انسانی پایبند باشند. البته من هیچ کس را تحریم نکرده‌ام. به جز اسرائیلی‌ها. در مورد اموال هم باید بگویم که رقابت‌های انتخاباتی ما نشان داد که از همه فقیرتر بودیم. تنها ثروت ما محبت مردم بود. از آن گذشته من صورت‌حساب دارایی‌هایم را اعلام کرده‌ام. حالا اگر کسانی در این‌باره ادعاهایی دارند بهتر است که آنها را با سند و دلیل اثبات کنند.

منبع:الخلیج

محک
مؤسسه خیریه هایتان
کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org

شیرینی افطارتان، از شادی بچه های محک

شما که دل هایتان در ضیافت الهی، بی‌تاب لحظه‌های عاشقی است، شما که تشنه‌ی ربنای افطارید و خواب را به لطف دعای سحر به فراموشی می‌سپارید اکنون که ماه خداست، سفره‌ای بگسترانید که شیرینی آن، شیرینی لبخند کودکان محک باشد.

با پیوستن به جمع نیکوکاران محک و پرداخت هزینه دارو و درمان کودکان مبتلا به سرطان در ماه مبارک رمضان، آن‌ها را میهمان سفره‌های خود کرده و دعای خیر این فرشتگان کوچک را بدرقه راه خود و خانواده تان نمایند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۲۳۵۴۰ تماس حاصل نمایید.